عکس: مهدی حسنی/ شهروند

گفت‌وگوی «شهروند» با اعضای گروه موسیقی دنگ‌شو

شیدایی خود را موزیک کرده‌ایم

دنگ‌شو سبکی برای زندگی است

رضا نامجو- روزنامه نگار| «دنگ‌شو» گروه موسیقی است که فعالیت رسمی خود را از سال ۸۶ با اجرای کنسرت در فرهنگسرای ارسباران تهران آغاز کرد. این گروه به نظر عده‌ای آغازگر جریان جدید موسیقی تلفیقی در ایران به حساب می‌آید. رضا شایا و طاها پارسا (هر دو با نام فامیلی قبلی شجاع نوری) دو برادری هستند که موسبان گروه موسیقی دنگ‌شو به حساب می‌آیند. این دو با ترکیب دوباره پیانو و ساکسیفون در موسیقی ایرانی و چند اجرای اولیه موفق توانستند جایشان را در میان اهالی هنر و موسیقی پیدا کنند. راهی که حتی به روایتی «بالت» و حتی «چارتار» دنباله‌روی آن هستند. آلبوم «اتاق گوشواره» گروه دنگ شو هم به‌عنوان اولین آلبوم رسمی (و سومین آلبوم دنگ شو) در نیمه دوم سال ۹۳ منتشر شد و توانست در لیست آلبوم‌های محبوب، در سبک موسیقی تلفیقی قرار بگیرد. نوآوری دو برادر شجاع نوری، طاها و شایا، در باز خوانانی ترانه‌های مردمی اقبال خوبی را برایشان به همراه داشت. «اسحاق چگینی»، «نیما عظیمی‌نژاد»، «سام مظاهری» و «خشایار رونانگر» به عنوان نوازنده در آلبوم آخر حضور دارند که وظیفه نوازندگی را برعهده داشتند. دنگ‌شو خواننده ثابت ندانسته و ندارد. سپیدنا مجتهدزاده، ابوذر صفاریان، امید نعمتی، سعید آتائی و علی زندوکیلی تا به امروز این گروه را همراهی کرده‌اند. رضا شایا، طاها پارسا، صبا صمیمی، خشایار رونانگر اعضای گروه دنگ‌شو در غیاب سام مظاهری دیگر عضو این گروه گفت‌وگوی مفصلی با «شهروند» انجام داده‌اند. شرح این گفت‌وگو را در ادامه مطلب بخوانید:

شما به‌عنوان پایه‌گذاران گروه دنگ‌شو این نوع موسیقی را در کدام ژانر قرار می‌دهید و اگر می‌توان آن را نوعی موسیقی تلفیقی دانست، دغدغه شما از این تلفیق چیست؟

شایا: شاید این سوال تکراری باشد اما پاسخش تا به امروز برای من به شکل یک جواب واحد تثبیت نشده است. از طرف دیگر این که ما موسیقی گروهمان را تلفیق بدانیم، نمی‌دانم تا چه اندازه درست است؟ چون هر چقدر زمان به جلو می‌رود، احساس می‌کنم به جای قرار دادن شیوه موسیقی ما در یک ژانر بهتر است، آن را یک لایف‌استایل (سبک زندگی) در نظر بگیریم. به نظرم ما به شیوه مرسوم کار نمی‌کنیم و ژانربندی کار ما هم ثابت نیست. ممکن است گروه دنگ‌شو در آلبوم بعدی دو قطعه از موسیقی هیپ‌هوپ داشته باشد و مطابق با هیچ یک از کارهای موسیقی تلفیقی و حتی موسیقی که گروه تاامروز انجامش داده کارش را ادامه ندهد.

طاها: من تا زمانی که در جست‌وجوها و کنکاش‌های شخصی‌ام شکست نخورم، حاضر به تن دادن به کلمه تلفیق برای موسیقی گروه نیستم. ما از ابتدا به قصد تلفیق کار ما را شروع نکردیم، بلکه چیزی در ذهن ما شکل گرفته بود که خواستیم آن را به وجود بیاوریم. در حقیقت کاری که ما انجامش دادیم، ترکیب چند ژانر از موسیقی نبود، بلکه آفرینش شیوه‌ای بود که نه‌تنها در موسیقی بلکه در سایر حوزه‌هامی‌تواند اغاز گر شیوه‌جدیدی باشد. بنابه همین دلایل من با کلمه تلفیق آن‌چنان موافق نیستم. درواقع دنگ‌شو ارایه‌ای از یک بند موزیک ایرانی است و بنابراین حس دیوانه‌بازی‌مان را با موزیک نشان می‌دهیم.

یکی از کارکردهای شیدایی از نظر شما انتقال مفهوم است و این انتقال می‌تواند در قالب متن، ادبیات یا به صورت اخص شعر پارسی باشد...

شایا: انتقال مفهومی که از قبل هم وجود داشته اما به سختی کار خودش را انجام داده است.

بنابر آنچه در ابتدای گفت‌وگو مطرح کردید، این انتقال مفهوم تنها در شعر نیست. با این توضیح اساس کار دنگ‌شو را باید انتقال مفهوم ادبی به‌سنت بدانیم یا اینکه این سیرورت موسیقایی علاوه بر به‌عنوان یک هدف در پیش گرفته است؟

خشایار: به نظر من موزیک دنگ‌شو به‌طور جداگانه می‌تواند یک هدف باشد و در مورد خودمن موزیک گاهی مهم‌تر از کلامی است که دنگ‌شو درصدد بیان آن است. این توجه به موزیک در مورد اکثر موزیسین‌ها وجود دارد. به بیان دیگر علت توجه من به خوانش خواننده‌مولدی و آهنگ‌موزیک است نه کلام شعری‌اش.

این که هر موزیسینی ابتدا به موزیک توجه می‌کند، درست است اما با توجه به گفته شایا در مورد موزیک دنگ‌شو می‌توانید به او برای درک بهتر کمک کند. در این شرایط شما برای موزیک یک وظیفه تعریف کرده‌اید یا این توضیح به نظر شما نقش موزیک در چنین موقعیتی چیست؟

شایا: پیش از این گفتم که اگر طاها مثلا فیلم هم بسازد، این فیلم‌بیان شکوهی دارد. عباس کیارستمی به خاطر فیلم‌هایش مطرح می‌شود اما وقتی عکس هم می‌گیرد امضای عباس کیارستمی را دارد.

اندیشه دنگ‌شویی چه ویژگی دارد که اگر در نویسندگی، عکاسی و فیلمسازی هم به کار گرفته شود باز هم امضای دنگ‌شو را با خودش دارد؟

شایا: این اندیشه درواقع یک جریان برای زندگی است.

طاها: ناچارم دوباره به بخش قبلی صحبت بازگردم که این موزیک یک واکنش است. در امتداد زمان یک واکنش شکل ثابت نخواهد داشت چون کنش‌هایی که ما آن‌ها موجب‌اند، دچار تغییر می‌شوند.

طاها در یکی از گفت‌وگوهایش این موضوع را مطرح کرده بود که تنها جریان موجود در موسیقی ایران دنگ‌شو است. نظر شما در این مورد چیست؟

شایا: منظور او این بود که اگر جریانی در موسیقی برای ما می‌توانست در فیلم، نقاشی یا هر هنر دیگری، خود را به نمایش می‌گذاشت، درحالی که ممکن بود ما این حس را در هیچ کاری نشان نمی‌دادیم و مثل دیوانه‌ها فقط در خلوت خودمان شیدا می‌شدیم و به زندگی‌مان ادامه می‌دادیم. امروز حس شیدایی ما وارد موزیک شده است و بنابراین حس دیوانه‌بازی‌مان را با موزیک نشان می‌دهیم.

مثبت بر ادبیات فارسی و حتی جهان هم اثاثی از عیب نیست، پس چگونه می‌توان ادبیات دنگ‌شو را بدون ایراد دانست؟

صبا: مقصود من بکارگیری شعر و موسیقی در کنار هم به شیوه‌ای است که کمترین نقصی داشته باشد درحالی که برخی گروه‌ها یا این که شعرهای خوبی هم در اختیار دارند نتوانسته‌اند آن را به خوبی با موزیک ترکیب کنند و کارشان ایراد پیدا کرده است. دنگ‌شو این راهم‌پیدا است که چه شعری بهترین شعر است و به چه شکلی بهترین شکل را پیدا خواهد کرد تلفیق درست شعر و موسیقی و بیان مناسب شعر است که می‌تواند مفهوم مورد نظر را به خوبی انتقال دهد درحالی که اگر هر یک از این پارامترها به خوبی رعایت نشود هدف اصلی را دچار خلل خواهد کرد. اشراف اعضای گروه بر ادبیات همین مفهوم است و آن راهمه موزیسین‌ها به خوبی می‌دانند. دیگران هم می‌دانند که یک موزیسین باید به ادبیات تسلط داشته باشد اما به آن عمل نمی‌کنند. ویژگی دیگر گروه ما این است که دو برادر «طاها و شایا» از کودکی موزیک را به خوبی شنیده‌اند و آواز ایرانی را به خوبی گوش داده‌اند، توانسته چنین خروجی‌ای داشته‌باشند.

شایا: نکته قابل تأمل در مورد دنگ‌شو این است که ناگهانی و از در بیشتی وارد شده و خود را وسط ماجرا دیده است.

خشایار: برنامه‌ریزی گروه به این صورت نبوده که سازهای غربی را در کنار تنبک به‌عنوان یک ساز ایرانی در کنار هم قرار دهیم و مثلا فلان شعر سعدی را در فلان دستگاه موسیقی ایرانی با هم تمرین کنیم. شایا پیانو می‌نوازد و طاها نوازنده ساکسیفون بوده این دو ساز اصالتی کاملا غربی دارد اما آنچه امروز در دنگ‌شو نواخته می‌شود پیانو و ساکسیفون ایرانی است. این داستان به خاطر برنامه‌ریزی اتفاق نیفتاده بلکه به دلیل حس این دو برادر این دو ساز انتخاب شده آن هم در سال‌های کودکی. امروز این دو برادر در جزیره‌ای قرار گرفته‌اند و با ابزاری به نام ساز که در اختیار دارند، آنچه را دوست دارند می‌نوازند.

آنچه تاقبل از این اتفاق افتاده را می‌توان به خاطر وجود نوعی حس توجیه کرد اما وقتی وارد ماجرا شدید کار شیوه‌مهندسی شده به خود می‌گیرد...

شایا: با این نظر موافقم اما مهندسی را وظیفه مدیر اجرایی می‌دانم چرا که در زمینه موسیقی کار ما پس از گذشت این سال‌ها هنوز هم مبتنی بر حس است. علت این ادعا هم تفاوت در آلبوم‌هایی است که از ما منتشر شده است. آلبوم اول و دوم ما به هم هیچ ارتباطی ندارد و این حالت در مورد آلبوم سوم و تک‌آهنگ‌های دنگ‌شو هم وجود دارد.

خشایار: وجود همین حس باعث شده که دنگ‌شو این میانبر را بزند. آقای مهر پویا چهل سال پیش به هنر رفت تا این هدف که به ایران بازگردد و موسیقی تلفیقی بسازد. در این مسیر هم زحمات زیادی کشید و کاری با کیفیت ارایه داد اما ما هیچ‌یک از این کارها را انجام ندادیم. ما با اعتقادی که به کار خودمان داشته‌ایم، جلو رفته‌ایم و این اتفاقات افتاده است. مهندسی کار ایشان است و ممکن است تصمیم بگیرند. ما ممکن است تصمیم بگیریم تا سه‌سال هیچ آلبومی نداشته باشیم یا قطعاتی بسازیم که اینان موافق ورودشان به بازار نباشند و طبیعتا منتشر هم نشوند.

شایا: برای تولید اثر حس است که کار گشایی می‌کند هر چند مهندسی کار هم نه در زمینه تولید اما به هر صورت باید وجود داشته باشد.

امضای گروه شما چیست که با وجود تفاوت بین آلبوم‌های منتشر شده شما مخاطب تشخیص می‌دهد که این کار مربوط به گروه دنگ‌شوست؟

شایا: حس ما درست مانند ویژگی‌های ظاهری و درونی هر انسانی با دیگران متفاوت است. من نمی‌گویم که دیگران حسی کار نمی‌کنند اما قطعا حسی که آنها دارند با حس درونی ما متفاوت است و طبیعتا محصول متفاوتی در مقایسه با دیگران خواهد داشت.

این نکته که حس می‌تواند مهم‌ترین قسمت برای خلق یک اثر هنری باشد کاملا درست است اما موزسین برای ساخت یک اثر هنری نیاز دارد که به صورت مکانیکی ساز بزند تا بتواند حس درونی‌اش را منتقل کند. وجود یک سازبندی خاص و تنظیم آهنگی که احتمالا با دیگر تنظیمات گروه دنگ‌شو متفاوت است اما همچنان دنگ‌شویی است. غیر قابل انکار و لازم است. دلیل اصرار بر وجود موسیقی ایرانی که به گفته خود شما از آلبوم سوم به بعد پررنگ‌تر شد و شاید علتی شد تا بعضی از موزسین‌ها با شما همکاری نکنند، در چیست؟

شایا: البته آواز ایرانی پررنگ‌تر نمی‌شود بلکه این خواننده موسیقی ایرانی است که با گروه بیشتر همراه می‌شود. اصلا بعید نمی‌دانم، به‌زودی آلبومی منتشر کنیم که حتی یک قطعه موسیقی ایرانی هم در آن نباشد.

خشایار: همه کسانی که امروز این جامستیم به‌اضافه یکی دیگر از دوستانمان که نوازنده بیس گروه است دنگ‌شو را تشکیل می‌دهیم. خواننده موسیقی اصیل هیچ‌وقت جایگاه ثابتی در دنگ‌شو نداشته است. این امکان در جاه جایی به ما فرصت می‌دهد که هر روز تلاش کنیم نسبت به گذشته بهتر شویم.

با این وجود، خواننده سنتی همیشه در گروه شما حضور داشته‌است...

خشایار: درست است اما خوانندگان ما هر بار با دغده قبلی متفاوت بوده‌اند و همین نکته باعث شده مردم و رسانه‌ها گاهی خوانندگان کارهای ما را با هم اشتباه بگیرند. این همان امضایی است که گروه دنگ‌شو دارد.

شما در حال صحبت درباره مردمی هستید که به شکل اتفاقی موزیک شما را گوش می‌دهند یا مخاطبین خاص دنگ‌شو؟ با توضیحی که در مورد رسانه‌ها و مردم دادید، به نظر می‌رسد مقصود شما کسانی است که مخاطب جدی شما نیستند. کسی که مخاطب جدی دنگ‌شو باشد نه صدای خواننده‌ها را با هم اشتباه می‌گیرد و نه کار گروه دیگر را کار دنگ‌شومی‌داند...

شایا: آن چه را به‌عنوان حس وامضای شخصی هر یک از ما می‌توان دانست، قبول دارم اما چیزی نبوده که تا به امروز به آن رسیده باشیم. شاید روزی برسد که من امضای خودم را بفهمم و نشانش دهم. من این مشکل را با خودم دارم وفکر می‌کنم طاهاهم این مسأله را احساس می‌کند که کدام قسمت از کار ما واقعا جذاب است؟ گاهی می‌دانم مثلا این قطعه همان حس درونی من است که دارد خودش را نشان می‌دهد اما نمی‌دانم واقعا کدام قسمتش جذاب است و امضای من در آن چه شکلی است. هرچند مشغول تلاش و کنکاشم که روزی به آن آگاهی دست پیدا کنم و زمانی برسد که در آن نقطه به خودواقعی وامضای شخصی‌ام دست پیدا کنم.

با توجه به توضیحاتی که دادید آیا می‌توان گفت اعضای بند دنگ‌شو تا امروز هنوز مواجهه علمی با موسیقی ندارند؟

شایا: من کلا با موزیک خودم مواجهه ایجاد نمی‌کنم چون حسی می‌کنم مواجهه علمی با موزیک آن را به محدوده تحلیل و نقد می‌کشاند که نمی‌تواند چندان مورد علاقه و منظور هنرمند باشد.

هرچند موزیک دنگ‌شو بدون مواجهه تولید شود اما در نهایت تحلیل و در تاریخ ثبت خواهد شد...

خشایار: موزیک در تاریخ ثبت شده اما تحلیل‌هایش نه.

وقتی موزیکی تولید شود و بتواند مخاطبان قابل توجهی پیدا کند قطعا توسط یک جریان تقدیر رسی خواهد شد و تحلیل این گروه به همراه موزیک دنگ‌شو منگنه و در حافظه تاریخ بایگانی خواهد شد...

صبا: بله. اما گاهی برخی از این تحلیل‌ها واقعی نیست و در گذر زمان فراموش خواهد شد. این نکته که ما نسبت به تولید موزیک‌مان رویکرد علمی نداریم باعث شده برخی رسانه‌ها زبان ما عنوان کنند ما موسیقی را به شکل علمی نمی‌دانیم درحالی که این برداشت اصلا درست نیست. طاها و شایا که از کودکی ساز می‌زده‌اند، خشایار که گوش فوق‌العاده‌ای در زمینه موسیقی دارد و از کودکی پیانو می‌زده و من هم از کودکی موسیقی ایرانی کار کرده‌ام. مقصود من این است که همه ما به صورت علمی موسیقی را فرا گرفته‌ایم، اما از آن جا که به صورت آکادمیک موزیک نخوانده‌ایم خودمان را از قید و بند موزیک رها می‌دانیم و این درست برخلاف دانش آموختگان موسیقی به‌صورت دانشگاهی است.

شایا: اگر کسی بیاید و من را با ماشین زمان به آینده ببرد و گروه را در حالی روی استیج ببیند که تنها یک نفر مشغول کار دی‌جی است اصلا تعجب نمی‌کنم. با این که ما باز به آینده سفر کنیم و ما با گروهی به روی استیج می‌رویم که شکل کامل یک گروه ایرانی است و سازهایش کمانچه و تار و تنبک است چون آن چه از نظر دنگ‌شو مهم است، در جریان بودن است و به محض ثابت شدن این جریان دیگر از جانب ما هیچ اصراری برای ادامه کار موزیک وجود نخواهد داشت چون در آن شرایط بهتر است سراغ کار دیگری برویم. در مورد آلبوم گوشواره توضیح دادم که چهار قطعه از آن آلبوم اصلا بنا نبود وجود داشته باشد و در عدم به سر می‌برد. دو ماه مانده به اتمام کار آلبوم چهار قطعه حذف شد و این چهار تراک به آلبوم اضافه شد. این همان مفهوم جریان است. من تا پیش از دنگ‌شو با شیوه کار گروه‌های دیگر آشنا نبودم و نمی‌دانم مهندسی گروه‌های دیگر چگونه انجام می‌شود اما در مورد دنگ‌شو و همین آلبوم اتاق گوشواره قطعه سوم خیلی اتفاقی شکل گرفت و طبعا مهندسی آن هم بسیار سریع و در جریان اتفاق افتاد. علت موفقیت دنگ‌شو را همین در جریان بودن می‌دانم چرا که اگر بخواهیم در مورد مدت زمان صرف شده برای ساخت یک قطعه با هم صحبت کنیم گاهی یک قطعه در فاصله زمانی یک صبح تا عصر ساخته شده است. این مدت زمان هم شامل تمامی قسمت‌های کار آن قطعه از انتخاب شعر یا سرودنش، آهنگ و خوانش آن بوده. جالب این که همین قطعه هم مورد اقبال طرفداران جدی دنگ‌شو واقع شده است.